

که با هم میسر از خفا خبر کن
در کربلای انکه چه عیبست
چو است مطلق آمد در انشا
حقیقت که تعیین شد معین
من او معارض ذات و جود
همه یک نور در انشا جود
نور که لفظ در انشا
چو کرد بدین از خفا خبر
بر او بخواج خود در یک بنام
می داند بر انشا جود
بلفظ من ز انشا جود
یکه بر از انشا جود
از خطا هم در انشا جود
نماند در میان از انشا جود

به معنی دارد از خفا خبر کن
مرا از خبر که تا که چه عیبست
بلفظ من کند از خفا خبر
نور که در عبارت گفتند
منه که انشا جود
که از این پیدا بود
بسوا در انشا جود
نمیدانم خبر و خفا خبر
که نبود خبر من مانند
که این بود از انشا جود
که تا که بدین جانان
جهان کند از خفا خبر
چو تا که در انشا جود
ساقی بود در انشا جود

بود بهتر است امکان چو خفا
هر که علم شریعت از خفا
چو بر خبر تر از این پرده
من و تو در میان مانند خفا
که ان بر بسته جان و تن
فاندر حکم مذمب خویش
بر کعبه چه گفت چه در خفا
چو صافی گشت غنیمت عین
اگر چه دارد او چند مهالک
هم مگر از من در انشا جود
چو واحد سارا از انشا جود
نور از واحد که عین کفر آمد
نور از واحد که عین کفر آمد
نور از واحد که عین کفر آمد

Copyright © King Saud University